

## آیا آینده کردستان عراق ، از پرده ابهام خارج شده است؟

جمعه ۹ مرداد ۱۳۸۸

مظفر

### آیا آینده کردستان عراق<sup>۱</sup> ، از پرده ابهام خارج شده است؟

#### بخش دوم

#### مقدمه:

قبل از انتخابات پارلمان کردستان نوشته‌ای به همین عنوان در [همین سایت منتشر](#) شد. با به پایان رسیدن انتخابات پارلمان و رئیس اقلیم کردستان بر خود واجب دانستم بخش دومی به مطلب نخست اضافه کنم. کوشیده‌ام در این بخش اطلاعاتی پایه‌ای در اختیار خوانندگان بگذارم تا بر بستر آن نتایج انتخابات را بسنجند. این امر امکان میدهد تا مسایل دیگری نیز بهتر درک شوند. برای مثال میتوان چالشهای پیش روی پارلمان و اهمیت آنها را پیش بینی کرد. بعد از انتخابات نکات مهمی از پرده ابهام بیرون افتاد؛ ترکیب پارلمان آینده از نظر جناح بندی طبقاتی معلوم گردید، و از همه مهمتر، نکاتی مبهمی در پروسه انتخابات خود را برجسته کردند. امیدوارم در پرتو این بخش زمینه‌های آنها قابل فهمتر گردند. چون قبلا چنین قصدی را نداشتم در نوشته قبلی اشاره‌ای به بخش اول نشده است. ضمن پوزش از خوانندگان این نوشته را به عنوان بخش دوم همان نوشته ارائه می‌نمایم، به امید آنکه در هر زمینه‌ای مفید واقع گردد.

#### انتخابات:

لازم به یادآوری است که در روزهای ۲۳ و ۲۵ جولای رای دهندگان در دو انتخابات شرکت کردند. آنها در این دو روز هم نمایندگان پارلمان را تعیین کردند و هم رئیس اقلیم کردستان را. گفتنی است که "کومسیون عالی مستقل انتخابات عراق" تصمیم گرفت که انتخابات تعیین شده برای ۲۵/۷/۲۰۰۹ کردستان را در دو مرحله برگزار نماید. تشخیص کومسیون این بود که چون روز انتخابات و روز بعد از آن تعطیل رسمی خواهد بود، آن بخش از نیروهای مسلح کردستان که در بغداد جهت برقراری امنیت با پلیس و ارتش عراق همکاری می‌کنند، بیمارستان‌ها و سازمان‌های دولتی که امکان تعطیل شدن آنها نیست و کارمندان آنها نخواهند توانست به پای صندوق‌های رای بروند دو روز زودتر رای بدهند. به همین دلیل روز ۲۳/۷/۲۰۰۹ مرحله اول انتخابات در مراکز نامبرده بالا و سازمان‌های دولتی مشابهی انجام شد. اما برگزاری اصل انتخابات روز ۲۵/۷/۲۰۰۹ انجام شد.

قبل از پرداختن به اصل موضوع لازم است که دو گزارش را جهت کمک به درک مطلب در اینجا ضمیمه کنم. گزارش اول بسیار مختصر در مورد احزابی خواهد بود که در سال ۲۰۰۵ در انتخابات شرکت کردند. گزارش دوم نتیجه انتخابات دور سوم پارلمان و رییس اقلیم کردستان است.

تعداد کرسی‌های که به دست آورد	نام حزب
۴۰	پارت دمکرات کردستان عراق
۳۹	اتحادیه میهنی کردستان
۹	اتحاد اسلامی کردستان
۶	جمعیت اسلامی کردستان
۵	آشوری
۴	ترکمان

<sup>۱</sup>در تمام نوشته منظور از (کردستان) عراق میباشد. سایر بخشهای کوردستان با اسم کشور مشخص خواهد شد.

۳	حزب شیوعی عراق
۲	حزب سوسیالیست کردستان
۱	حزب زحمتکشان کردستان
۱	اتحادیه ملی
۱	حزب کارگران

لیست احزاب سیاسی کردستانی که در سال ۲۰۰۵ به صورت مستقل و بدون ائتلاف در انتخابات شرکت کردند و تعداد کرسی‌های را که در پارلمان به دست آوردند در این جدول نمایش داده می‌شود.

نتیجه دور سوم انتخابات پارلمان کردستان و دور دوم انتخاب رییس اقلیم کردستان در ۲۵/۷/۲۰۰۹

### رییس اقلیم کردستان:

نام کاندید	در صد آرا
مسعود بارزانی	۶۹,۵۷%
کمال میراودلی	۲۵,۳۲%
حسین گرمیانی	۰,۵۹%
هلو ابراهیم احمد	۳,۴۹%
سفین شیخ محمد	۱,۴%

### پارلمان اقلیم کردستان

نام لیست، (ائتلاف) حزب یا سازمان...	درصد آرا
لیست کردستانی	۵۷,۳۴%
لیست تغییر "گوران"	۲۳,۷۵%
لیست خدمتگذاری و اصلاحات	۱۲,۸%
جنبش اسلامی کردستان	۱,۴۵%
جنبش دموکراسی ترکمانی کردستان	۰,۹۹%
لیست آزادی و عدالت اجتماعی	۰,۸۲%
انجمن ملی کلدانی، سریانی و آشوری	۵۸,۰%
اصلاحات ترکمانی	۰,۳۸%
رافیدین	۰,۳۰%
آران شاهین	۰,۲۲%
پارت کارگران و رنجبران کردستان	۰,۱۸%
وارتکس موسیس	۰,۱۵%
پارت محافظت کردستان	۰,۱۲%
لیست جنبش اصلاحات کردستان	۰,۱۱%
اتحاد ملی دموکراسی کردستان	۰,۱۰%

جوانان مستقل	۰,۱۰%
کلدانی متحد	۰,۰۹%
خود مختاری کلدانی و سریانی آشوری	۰,۰۹%
آینده‌ای شکوفا برای کردستان	۰,۰۵%
پیش‌تاز	۰,۰۵%
ایشخان ملکرس	۰,۰۵%
الحزب الدستوری العراقی	۰,۰۴%
مستقلین ترکمان	۰,۰۲%

با توجه به نتیجه انتخابات، دولت آینده کردستان، دولت دو حزب اصلی (پارت دمکرات کردستان - ازین به بعد پارتنی) و (اتحادیه میهنی کردستان - ازین به بعد یه‌کیه‌تی) به رهبری مسعود بارزانی خواهد بود.

### چند نکته مهم که بعد از انتخابات روشن شد.

۱- تا قبل از برگزاری انتخابات ادعای احزاب اسلامی که به طور خیلی جدی ادعا میکردند، مردم کردستان بیشتر به آنان گرایش دارند. دلیل عمده آن‌ها مسلمان بودن اکثر مردم کردستان است. اما دلایلی دیگری نیز وجود داشت که در میان کسانی که با کردستان آشنایی چندانی ندارند این توهم و نگرانی را ایجاد شده بود که گویا احزاب اسلامی از پایگاه توده‌ای خوبی برخوردارند. از جمله این دلایل حمایت این احزاب از اعتراضات مردمی بود. اما جدول بالا نشان میدهد که ۷ حزب اسلامی در مجموع ۱۰٪ آرا را بخود اختصاص داده‌اند. اهمیت این موضوع در اینست، مردم کردستان هر چند اکثراً در باورهای عمومی خود را به لحاظ مذهبی با اسلام تداعی میکنند، اما آنها عملکرد و سیاست‌ها ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی ایران را تجربه کرده و یا با آن آشنا هستند و به همین دلیل حاضر نیستند حاکمیت اسلاميون سیاسی را بپذیرند.

۲- صبح روز ۲۵/۷/۲۰۰۹ نوشیروان مصطفی هنگام دادن رای به خبرنگاران گفت که نتیجه انتخابات هر چه باشد برای لیست گوران قابل قبول است. این یک نوع عقب نشینی تاکتیکی بود، چون در بعد از ظهر همان روز لیست گوران ادعا کرد که نتیجه انتخابات قابل قبول نیست، چون در شهرهای دهوک و زاخو تقلب شده است. یک روز قبل از اعلام نتایج انتخابات، نوشیروان مصطفی نامه‌ای سرگشاده‌ای خطاب به رئیس سازمان ملل، تعداد زیادی از دولت‌های اروپای و نوری المالکی نوشت که لیست کردستانی در انتخابات تقلب کرده است. اما این نامه و سایر ادعاهای لیست گوران از جانب ناظران انتخابات رد شد و صحت انتخابات از جانب آنان تایید گردید. اهمیت این مسئله هم در این بود که بر خلاف ادعاهای فراوانی که در ظرف چند ماه گذشته از جانب کمپانی وشه و لیست گوران مطرح گردیده اکثریت مردم یا خواستار تغییرات تبلیغ شده توسط نوشیروان مصطفی نیستند، یا به او اعتماد ندارند و یا حداقل هنوز اعتمادشان را به احزاب اصلی از دست نداده‌اند.

### چالش‌های که پارلمان آینده با آن روبرو است:

نتیجه انتخابات معلوم کرد که مجلس سوم، دیگر نمی‌تواند همان مجلس نوپا در چند سال گذشته باشد. مجلسی که هر چند با دشواری‌های زیادی از نظر سیاسی و امنیتی رو به رو بود، اما از کشمکش‌های زیادی در درون خود محفوظ بود. علت اصلی آن هم یکدست بودن مجلس بود. اما در آینده شاهد کشمکش‌های جناح‌های مختلفی در درون مجلس سوم خواهیم بود. جناح اصلی را که می‌توان به عنوان اپوزسیون درون پارلمانی معرفی کرد نمایندگان لیست گوران خواهند بود.

اپوزسیون درون پارلمان از فردای افتتاح مجلس خواه ناخواه مشکلاتی قانونی، پیرامون بررسی مجدد پیش نویس قانون اساسی کردستان، اختلاف بر سر شماری از اعضای کابینه دولت آینده و حتا رییس دولت آینده، مسئله سرعت بخشیدن به اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق مربوط به حل مسئله کرکوک و نظایر آنها از جمله مسایل مورد اختلاف خواهند بود. اگر اپوزسیون نتواند کاری انجام بدهد حتا ممکن است که برای ایجاد خلل در کار مجلس از تاکتیک‌های مجلس عراق استفاده کند: چند ماه پیش عده‌ای از نمایندگان

مجلس عراق در پارلمان حاضر نشدند تا پارلمان به حد نصاب نرسد.

موضوع دیگری که پارلمان کردستان با آن دست به گریبان خواهد بود. تعیین سیاست‌های خارجی دولت کردستان است. مسئله وجود نیروهای پ ک ک در کردستان و روابط دولت کردستان با ترکیه خواه ناخواه حساسیت‌های در درون پارلمان ایجاد خواهد کرد. جناح اقلیت تاکنون به ظاهر نشان داده است که خواهان حمایت نیروهای پ ک ک هستند. البته می‌دانیم که این تا زمانی خواهد بود که کل منافع خودشان نیز تأمین گردد.

## نگاهی کوتاه به ساختار طبقاتی در کردستان:

اگر به ساختار جامعه کردستان نگاهی بیندازیم، اگر جایگاه طبقات موجود در جامعه کردستان را از نظر اقتصادی مشخص نمایم با واقعیتی بسیار وحشتناک روبرو خواهیم شد.

از سال ۲۰۰۵ به بعد بورژوازی تلاش خود را نموده است که حاکمیت خود را در کردستان به هر طریقی اعمال نماید. سرمایه‌داری آن هم از نوع کمپرادور از سه شیوه و امکان استفاده کرده است:

با استفاده از ابزارهای مانند قدرت حکومتی و حزبی، پدر سالاری، ریاست عشیره و بزرگ خاندان.

ابزارهای نوینی که در سایه اشغال عراق توسط امپریالیست‌ها بدست آورده است مانند، داشتن مشاورین آمریکایی و اروپایی در زمینه‌های

اقتصادی و بورس بازی و بانک داری، و از همه مهمتر مزدوری و چاکر صفتی برای امپریالیست‌ها و وابستگی اقتصادی به آنها

به تاراج دادن نفت کردستان و به جیب زدن عواید آن، دست انداختن بر زمینها و ثروتهای عمومی کردستان، به جیب زدن درآمدهای

حاصل از گمرکات، و به جیب زدن بخش قابل توجهی از بودجهی کردستان از بودجهی حکومت مرکزی و به جیب زدن کمکهای مالی

کلانی که به عناوین مختلف در اختیارشان قرار گرفته است) در این مورد میتوان به مقالات مایکل روبین رجوع کرد

در نتیجهی این عوامل این بورژوازی به سرعت زیادی رشد کرده و به نظر میرسد رشد بیشتری هم بکند.

ویژگی دیگری که سرمایه‌داری امروزی کردستان دارد، اینست که این سرمایه‌داری، در یک پروسه طبیعی شکل نگرفته است. وارث

جامعه‌ای فئودالی نیست، از بتن جامعه‌ای سرمایه‌داری، عقب مانده رشد نکرده است. بخش عمده سرمایه‌داران کردستان، سران و

مسئولین احزابی هستند که زمانی با کلاشینکوف از این کوه به آن کوه و از این دره به آن دره در جنگ و گریز با حکومت مرکزی

بودند. یا کسانی هستند که در شهرهای کرج و تهران و وین و واشگتن و لندن به عنوان پناهنده سیاسی در حال جستجوی راه حل

سیاسی مسئله کردستان بودند. واضعتر سرمایه‌داران امروز کردستان از قبل و تا چند سال پیش خداوند و صاحب هیچ کارخانه و

کارگاهی نبوده‌اند و از اصول و قواعد سرمایه‌داری کوچکترین اطلاعی نداشتند.

همانطور که گفته شد، سران این احزاب در ۱۷ سال گذشته با گرفتن پول‌های آشکار و پنهان، با دزدی و غارت شندرغازی که سازمان

ملل برای زحمتکشان کردستان اختصاص داده بود، با رشوه و فساد، از راه فروش نفت و هجوم به غضب زمین‌های حومه شهرها و

توسعه صنعت شهر سازی و خرید و فروش ویلا و هتل سرمایه‌دار شده‌اند.

بعد از سال ۱۹۹۸ و آشتی دو "رهبر" احزاب اصلی (مسعود بارزانی و جلال طالبانی) با توصیه و مشاوره کارشناسان آمریکایی

حاکمیت کردی را در "چهار چوب تمامیت ارضی عراق" و ظاهراً به طرز قانونی با اجازه مردم بدست گرفتند. با راهنمایی همین

کارشناسان گام به گام در زمینه اقتصادی زیربنایی زندگی مدرنی از نوع آمریکایی و اروپایش برای افراد رده بالای هر دو حزب

ساخته شد. مسئولین پیش مرگه‌های عزیز و دلسوز دیروزی، که جزمه "خود مختاری برای کردستان" و اندیشیدن به آن چیزی بلد

نبودند، سرمایه‌داران "محترم" امروزی هستند که با مشاورینشان در زمینه بانکداری، ایجاد پروژه‌های صنعتی خصوصی، ساعت‌ها

جلسه دارند...

امروز شایع است که سرمایه خانواده بارزانی‌ها و به خصوص مسعود و نچیروان بارزانی سر به دهها میلیارد دلار میزنند. آنها در

بیشتر شرکتهای که به امور صنایع ساختمانی، بساز بفروشی، کشف و حفر چاه‌های نفت و سایر ذخایر ارضی، ایجاد سد و کانال سهم

دارند. بنگاه زاگروس چه در کردستان و چه در اروپا و آمریکا متعلق به شخص مسعود بارزانی می‌باشد. این بنگاه در تمام امور

اقتصادی، رادیو و تلویزیون و برودباند، صرافی پول، حمل نقل هوایی و زمینی ریشه دوانده است. به طور خلاصه حاکمیت کردستان

امروز در دست طبقه بورژوازی از نوع کمپرادور است.

خیلی‌ها بدون توجه به مسئله حاکمیت، بر این باورند که دو حزب اصلی پارتی و یه‌کیه‌تی و سران آن‌ها دیگر مشروعیتشان و عمرشان به پایان رسیده است. این باور زمانی درست می‌بود که این مشروعیت را آنان با زور یا از طریق کودتا بدست آورده بودند و مردم در دادن مشروعیت به آن‌ها سهیم نبودند. از طرف دیگر این باور زمانی صحت می‌داشت که امروز مردم آلترناتیو و گزینه بهتری برای انتخاب داشتند. واضحتر بگویم مشروعیت این دو حزب را ملت کرد در خلاء داشتن بدیل‌های دیگر به آن‌ها داده است و تنها ملت کرد میتواند از آن‌ها باز پس بگیرد. نگاهی به جدول‌های بالا نشان می‌دهد که هنوز توان سیاسی ملت به آن درجه نرسیده است که حاضر باشد (چه با مسالمت و چه با خشونت) مشروعیت را از آنان سلب کند و حاکمیت خود را اعمال کند.

به این اعتبار مشروعیت حاکمیت بورژوازی کردی مشروعیتی است ملی و قانونی. ملتی که ۷۰ سال به امید خود مختاری و رهایی به این دو حزب چشم دوخته بود در دو مرحله با دست خود مشروعیت ایجاد جامعه سرمایه‌داری نوینی را در کردستان به این دو حزب اهدا کرد. این حداقل پاداشی بود که این دو حزب خواهان آن بودند. مرحله اول در زمان صدام.

همانطور که در نوشته قبلی نیز اشاره شد، بعد از شکست صدام و ترک کویت در سال ۱۹۹۲ مردم کردستان به پای صندوق‌های رای رفتند و حاکمیت را به دو حزب اصلی سپردند. مرحله دوم بعد از سقوط صدام بود. در سال ۲۰۰۵ در انتخاباتی آزاد، بدون تقلب با نظارت سازمان ملل و سربازان آمریکایی، همین مردم دوباره به مجلس مؤسسان عراق، و قانون اساسی عراق و رییس اقلیم کردستان و پارلمان آن رای دادند. در انتخابات جولای ۲۰۰۹ همین مردم دوباره به همین دو حزب مشروعیت قانونی داد.

همانطور که خاطر نشان شد بورژوازی در کردستان از راه کلاسیک و طبیعی به وجود نیامده است. این نوع از بورژوازی که نمونه‌اش هم این روزها در این گوشه و آن گوشه دنیا کم نیست، به عنوان گاردهای محلی، بسیج محلی، نوکرهای حقوق بگیر محلی اول با بدست گرفتن قدرت سیاسی، سپس با فساد مالی و خیانت به اموال عمومی، سرمایه‌های خود را در بخش‌های غیر صنعتی، با کمک کاپیتالیسم جهانی بکار می‌گیرند. این اتفاق در کردستان دقیقاً همین‌گونه انجام شده است.

اما امروز دیگر این بورژوازی راه و چاه را از هم تشخیص داده و ضمن حفظ و حراست سرمایه‌اش، در راه وارد شدن به بازار جهانی سرمایه‌داری، با کمک از سرمایه‌ی مالیش که در بانک‌ها اندوخته است، قدرت خود را به کار می‌گیرد که در کردستان حاکمیت دوباره به دست بورژوازی عراقی نیافتد، اما هماهنگ با آنان، جامعه را به طور کلی دگرگون نموده و یک کشور سرمایه‌داری از نوع کشورهای همجوار به وجود بیاورد، هر چند در چهار چوب عراق و به عنوان یکی از اقلیم‌های آن.

نتیجه منطقی ادامه این وضع آن خواهد بود که طبقه کارگر در کردستان که هم اکنون نیروئی است که به لحاظ داشتن تشکلهای مستقل بسیار ضعیف است و در میان فقر و بیچارگی گرفتار دست و بال می‌زند. لازم است که این نیرو به خود تکانی داده و نیروی بیشتری بگیرد. طبقه کارگر فدای عراق بدون چون و چرا در آینده‌ای نه چندان دور به نیروی تعیین کننده‌ای تبدیل خواهد شد. نیروی که همگام با پیشرفت سرمایه او هم پیش رفت خواهد کرد و دیر یا زود آلترناتیو خواهد بود. برای توده‌های ستم دیده و زحمتکش کردستان گزینه اول خواهد بود. در آن صورت این دو حزب به عنوان دولت و دشمنان طبقاتی کارگران و توده‌های زحمتکش، و به مثابه ابزار حاکمیت یک طبقه به سرکوب کارگران و توده‌ها به قهر طبقاتی بیشتری متوسل خواهند شد.

اما نتیجه انتخابات امروز، در غیاب طبقه کارگر، صورت مسئله را کاملاً عوض کرده است. نمایندگان لیست گوران، همراه با چند نماینده از شخصیت‌های مستقل و اقلیت‌های مذهبی و ملی جناح اقلیت پارلمان خواهند بود. تا به امروز این جناح نشان داده است که خواهان رفم است. خواهان بهبود وضع اقتصادی است. این جناح به برداشتن شعارهای که توده‌ها در اعتراضات خیابانی مانند سیلی به صورت دولت می‌زدند، وانمود می‌کند که طرفدار توده‌ها و مردم است و برای آنان مبارزه می‌کند. البته حمایت لیست گوران از خواسته‌های مردمی به نفع توده‌ها است. اما به عنوان جناحی از حاکمیت آینده این تازمانی خواهد بود که به منافع مشترکشان لطمه‌ای وارد نشود. این‌ها ادعاهای خواهند بود از نمونه ادعاهای خاتمی، موسوی و کروبی در ایران.

## لیست گوران:

اما پرسشی اصلی این است که آیا لیست گوران که شعار اصلیش گوران - تغییر - است، خواهان کدام تغییر است؟

قبل از اینکه به پرسش بالا پاسخ بدهم خوب است که اشاره نمایم: در ده سال اخیر که حاکمیت کردی در دست دو حزب اصلی پارتنی و یهکیته بوده است، تغییرات کمی انجام نشده است. کشف و حفاری چاه‌های نفت، ساختن دانشگاه و پیشرفت در زمینه‌های آموزش عالی، رسیدگی به بهداشت و سلامتی، ساختن و ترمیم و تعمیر راه‌ها و جاده‌ها و... کم نبوده است. این تغییرات و دستاوردها هم بنا به میل و رغبت سرمایه‌داران نیست. سیستم سرمایه‌داری برای احیا و رشد و منافع خود به چنین تغییراتی نیاز دارد. دولت آینده کردستان متشکل از هر حزب و دارو دسته‌ای که باشد تحت حاکمیت بورژوازی خودی است. سیستم سرمایه‌داری بنا به مقتضیات و نیازهای سرمایه خود بخود تغییرات ایجاد می‌کند. سرمایه‌داری نمیتواند در جامعه‌ای عقب مانده و مریض و ناتوان رشد کند، پس باید جامعه را با وضع مطلوبی که برای خود لازم دارد و تا آنجا که به حاکمیتش لطمه‌ای وارد نکند هماهنگ نماید و تغییر بدهد.

اما اگر منظور لیست گوران از تغییر، تغییرات سیاسی است. طراح و ایدل‌لوگ این لیست نوشیروان مصطفی به عنوان رهبر همراه تمام کسانی که با در یهکیته بودند، در تعیین خط مشی تمام سیاست‌های داخلی و خارجی سهم عمده‌ای را بعهده دارد. چگونه میشود باور کرد که این لیست یکشنبه ره صد ساله را پیموده و بدون کوچکترین انتقادی به گذشته خود تمام سیاست‌های دولت کنونی عراق را زیر سوال ببرد؟

اما در جواب این پرسش (لیست گوران که شعار اصلیش گوران - تغییر - است، خواهان کدام تغییر است؟) باید نگاهی به لیست گوران و ترکیب و رهبری آن انداخت. در نوشته قبلی اشاره کردم که نوشیروان مصطفی بنگاهی به نام "کمپانی وشه" با مبلغی که جلال طالبانی در اختیار او گذاشته بود ایجاد کرد. او با نزدیک شدن انتخابات سومین دوره پارلمان با انتخاب شعار "ما خواهان تغییر هستیم" از کلیه کسانی که با او در مورد تغییر هم عقیده هستند، خواست برای یک رقابت انتخاباتی به او بپیوندند. در نتیجه به مرور لیست گوران شکل گرفت. ۹۰٪ از شرکت کنندگان در این لیست از اعضای کنار رفته، اخراج شده و یا انشعاب کرده یهکیته هستند. تعداد چندی هم از شخصیت‌های ناراضی و مستقل سیاسی و فرهنگی به این لیست پیوستند. این لیست با هیچ حزبی ائتلاف نکرده است. احزاب اسلامی کردستان هر چند خود در یک ائتلاف هستند به نام (لیست خدمت‌گذاری و اصلاحات) اما اعلام کردند که از لیست گوران حمایت خواهند کرد.

نوشیروان مصطفی کسی که هنوز حاضر نیست بگوید از حزب جلال طالبانی بیرون آمده است! کسی که با پول یهکیته "کمپانی وشه" را راه‌اندازی کرد، اما به تعهداتی که به یهکیته داده بود پشت پا زده است. کسی که تا پیش از مرحله انتخابات درصد بالای از کادرها و اعضای یهکیته خواهان بازگشت علنی او به یهکیته بودند و عدم وجود او را در رهبری کمبودی برای تشکیلات خود به حساب می‌آوردند. به عنوان شخص اول، ایدل‌لوگ و طراح این لیست معرفی شده است. کسی که برای تک‌تک کارگران و زحمتکشان شناخته شده است.

سابقه بیش از سی سال رهبری نوشیروان مصطفی در یهکیته، اعمال و رفتار و مشارکتش در جنگ‌های داخلی کردستان چه علیه پارتنی و چه علیه کمونیست‌ها را به راحتی از لابلای نوشته‌ها خود او که به صورت کتاب منتشر شده است میتوان دید. او همراه جلال طالبانی با رژیم ایران تباری کردند و پاسداران جمهوری اسلامی را به قلب کردستان کرکوک بردند. بر کسی پوشیده نیست که در سایه همین خوش خدمتی جلال طالبانی و نوشیروان رژیم اسلامی ایران در شهرهای کردستان نفوذ زیادی دارد.

اگر نوشیروان مصطفی برابر ادعایش خواهان تغییر است، چرا با لیست خدمت‌گذاری و اصلاحات که متشکل از چهار حزب اسلامی مرتجع است بیانیه مشترک می‌دهد؟ آن احزاب اسلامی تنها تغییری که خواهان آن در کردستان هستند، ایجاد یک جمهوری اسلامی در عراق است. برابر نوشته چند تا از رهبران اسلامی، آنان به فدرالیسم و خود مختاری هم معتقد نیستند. زبان اول را عربی می‌دانند "چون زبان قرآن است".

اما چگونه شده است که آب این دو در جویی جاریست؟ در یک کلمه: منافع مشترک طبقاتی. اگر احزاب اسلامی خواهان برقراری جمهوری اسلامی هستند، لیست گوران نیز صرف نظر از شعارهای مردمی و دهن پرکن خواهان تنها یک تغییر در کردستان است. گرفتن سهمی بیشتر.

مظفر ۳۰ جولای ۲۰۰۹